

راهبردهای تعاملات فرهنگی مسلمانان با مسیحیان و آثار تربیتی آن در قرآن

چکیده

در این پژوهش به مهم‌ترین راهبردهای تعاملات فرهنگی مسلمانان با مسیحیان از منظر قرآن کریم، پرداخته شده و به شیوه توصیفی تحلیلی راهبردها و اصول حاکم بر روابط با مسیحیان را با تکیه بر آیات قرآن کریم با رویکرد تربیتی، با هدف تصحیح نگرش‌های مسیحیان نسبت به امت اسلامی مورد کاوش و بررسی قرار گرفته است. برای نیل به این مقصود، اصول کلی حاکم بر روابط مسلمانان با غیرمسلمانان از دیدگاه قرآن، برخورد پیامبر با اهل کتاب ذمی به ویژه یهودیان، سیره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه و آله نسبت به اهل کتاب معاهد و مهادن با توجه به پیمان‌ها و نامه‌های پیامبر و سرانجام، برخورد ایشان با اهل کتاب محارب مورد مطالعه قرار گرفته است تا اثبات گردد که سیره پیامبر^(ص) و به تبع آن، روش و رویه مسلمانان با تمام پیروان ادیان دیگر مسالمت‌آمیز بوده و تنها در صورت تعرض خصمانه آنان، با عکس‌العمل دفاعی و قاطعانه پیامبر و مسلمانان مواجه می‌شده است. راهبردهای قرآنی در زمینه تعامل فرهنگی با مسیحیان، در بردارنده آثار تربیتی فراوانی است که می‌توان به رفع کدورت‌های تاریخی، تقویت فضائل و کمالات انسانی، عدم تعدی به حقوق دیگر انسانها اشاره نمود. رعایت حقوق پیروان دین مسیحی و توجه به راهبردهای مناسب با رفتار نیک و حرکت تسامح و مدارا در تعامل با آنان بر مبنای خدامحوری از اهمیت زیادی برخوردار است. اهمیت و ضرورت مسئله زمانی روشن می‌شود که توجه داشته باشیم در جنگ نرم، یکی از راهبردهای اصلی دشمن، تهاجم فرهنگی و ایجاد کینه و دشمنی بین ادیان و تغییر سبک زندگی مسلمانان است.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۱

از صفحه ۶۷ تا صفحه ۸۲

الله نور کریمی تبار

دانشجوی مقطع دکترا، دانشکده شهید

محلّاتی قم

karimitabar132@yahoo.com

علی نصیری

استاد تمام و عضو هیأت علمی دانشگاه

علم و صنعت، نویسنده مسئول

dr.alinasiri@gmail.com

واژگان کلیدی:

راهبردها، قرآن، مسلمانان، مسیحیان،

روابط اجتماعی، روابط فرهنگی.

درباره‌ی راهبردهای تعاملات فرهنگی با مسیحیان، باید میان حوزه‌ی پژوهش آیین مسیحیان و حوزه‌ی حقوق و روابط تفاوت قائل شد. در حوزه‌ی نخست، باید پژوهش و بررسی کامل صورت گیرد تا بدون سهل‌انگاری حق مشخص شود؛ اما در حوزه‌ی دوم که حوزه‌ی راهبردها و حقوق و قوانین دین آسمانی مسیحیت و حوزه‌ی روابط و مناسبات است، باید با رعایت قانون و حقوق پیروان مسیحیت، با آنان رفتار نیکو داشت و با مسامحه برخورد کرد. مستشرقان و به دنبال آن، سلطه‌طلبان جهانی، همیشه بر آن بوده‌اند تا چهره‌ای خشن از اسلام و مسلمانان ترسیم کنند و مسیحیان را از امت اسلامی و تعامل با آنان بترسانند. شاید تبیین نکردن صحیح راهبردهای تعاملات فرهنگی و سیره‌ی امت اسلامی با پیروان مسیح و ارائه‌ی آن به جهانیان، بهانه‌ای به دست این بازیگران جهانی داده باشد. این نوشتار برای جبران همین کاستی تنظیم شده است. با توجه به راهبردها و اصول اسلامی حاکم بر روابط با مسیحیت، این مسئله با استفاده از آیات و روایات به صورت عمیق و منسجم مطالعه و بررسی می‌شود. باید مدنظر داشت که در عصر کنونی، روابط مسلمانان با مسیحیان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است، اسلام بر آن تأکید فراوان کرده و سیره‌ی پیامبر^(ص) نیز بر اصل ارتباط مسالمت‌آمیز بوده است؛ شواهد آن، برخورد پیامبر و مسلمانان با اهل کتاب ذمی و توجه رسول خدا^(ص) به پیمان‌ها و تعهدات فی‌مابین، سیره‌ی پیامبر^(ص) در برخورد با یهود و مسیحیان، صلح‌جویانه و انسانی بود و با مدنظر قرار دادن ابعاد تربیتی در دستورالعمل‌های حکومتی خود، از استانداردهایش می‌خواست که نسبت به یهود و نصارا مانند مسلمانان برخورد کنند. در این میان، چگونگی آثار تربیتی شیوه‌ی برخورد نیکو با اهل کتاب و به‌ویژه مسیحیان، از پرسش‌های قابل‌تعمق است که پژوهش حاضر درصدد پاسخ به آن و تبیین زوایای این واقعیت است.

۱. تعاریف واژه‌ها و مفهوم‌شناسی

الف. راهبرد (استراتژی): راهبرد در لغت عبارت است از: یک نقشه و هدایت عملیات جنگی؛ دو. نقشه، ترفند، راهبرد (فره)؛ سه. هر طرح درازمدت برای هدفی خاص؛ مانند استراتژی اقتصادی، استراتژی نظامی (معین، ۱۳۸۰، ص ۸۰).

راهبرد در اصطلاح عبارت است از: فن و علم توسعه و به‌کارگیری قدرت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ملت، هنگام جنگ و صلح، به‌منظور تأمین بیشترین پشتیبانی از سیاست‌های ملی و افزایش احتمال دستیابی به نتایج مطلوب برای کسب بیشترین پیروزی و کمترین شکست. هرگاه قدرت سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی، برای دستیابی به اهداف نظامی یک ملت به کار رود، استراتژی نظامی نامیده می‌شود. به همین ترتیب، برای هر یک از ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نیز می‌توان یک تعریف از استراتژی ارائه داد.^۱

علاوه بر این، راهبرد شامل زمینه‌های کاری گوناگون می‌شود؛ ازجمله: راهبرد نظامی، راهبرد بازاریابی، مدیریت راهبردی، راهبرد نظریه‌ی بازی‌ها، راهبرد اقتصادی، راهبرد برنامه‌ریزی

1- <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/5824/6982>

پی‌زبان‌شناسی (شناخت رابطه‌ی اعصاب با زبان).^۱ اکنون معنای ساده‌ی استراتژی عبارت است از: یک طرح عملیاتی به‌منظور هماهنگی و سازمان‌دهی اقدامات برای دستیابی به هدف.^۲ ب. فرهنگ: فرهنگ در لغت عبارت است از: دانش، ادب و معرفت، تعلیم و تعلم، آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت، کتابی که شامل لغات یک زبان و شرح آنها باشد (معین، ۱۳۸۰، ص ۹۱). فرهنگ در اصطلاح: برای این واژه تعاریف متعدد و گوناگونی صورت گرفته است. یکی از فرزنانگان، آن را شامل فرهنگ پیرو و فرهنگ پیشرو می‌داند. برخی در تعریف مورد اخیر می‌نویسند: «فرهنگ عبارت است از کیفیت یا شیوه‌ای بایسته و یا شایسته برای آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌ها که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعید شده‌ی آنان در حیات معقول تکاملی باشد» (جعفری، ۱۳۹۳، ص ۱۰).

فرهنگ در «نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور»، این‌گونه تعریف شده است: نظام‌واره‌ای است از «عقاید و باورهای اساسی»، «ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری» «ریشه‌دار و دیرپا و نمادها» و «مصنوعات» که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد.^۳ رهبر معظم انقلاب در تعریف آن، چنین گفته‌اند: مراد ما از فرهنگ، همان ذهنیت‌هاست. هر جا که من تعبیر فرهنگ را به کار می‌برم، مرادم آن معنای عام فرهنگ است؛ یعنی آن ذهنیت‌های حاکم بر وجود انسان که رفتارهای او را به سمتی هدایت می‌کند تسریع، یا کند می‌کند. این، حداقل نیمی از عوامل تعیین‌کننده و پیش‌برنده و جهت‌دهنده به همه‌ی رفتارهاست.^۴ ج. تعامل فرهنگی: تعامل در لغت، یعنی با یکدیگر دادوستد کردن (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۱۵، ص ۷۵۳) و در اصطلاح، به معنای تبادل، تلاش و یا همکاری میان افراد و گروه‌ها است (آقابخشی و مینو افشاری‌راد، ۱۳۸۳، ص ۳۱۵). برخی اهل فن، در تعریف تعامل فرهنگی گفته‌اند: «تعاملات فرهنگی مجموعه‌ای از آداب و رسوم، عادات، سنت‌ها، عقاید، باورها و رفتارهای یک ملت است که ابعاد گوناگون مادی و معنوی دارد و بر اثر گسترش جوامع و ملل و بسیاری روابط و مراودات اجتماعی، با فرهنگ‌های دیگر آمیخته می‌شود» (مبینی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۳).

۲. راهبردهای تعاملات فرهنگی مسلمانان با مسیحیان

راهبردهای متعددی را در این‌باره می‌توان از قرآن و آموزه‌های دینی به دست آورد که در ذیل، مهم‌ترین آنها بررسی می‌شود:

1- <https://rahbord.marketing>

2- <https://rahbord.marketing/post/7>

۳- نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، شماره‌ی ابلاغیه: ۹۲/۲۳۴۹/۹۲/دش، تاریخ ۹۲/۲/۸، ص ۲.

۴- بیانات رهبری در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، تاریخ ۷۷/۰۹/۲۳.

۲-۱. راهبرد برقراری ارتباط با مسیحیان بر اساس همزیستی مسالمت‌آمیز

راهبرد اساسی اسلام، حفظ صلح و امنیت و منع توسل به زور، مگر در شرایط ضروری است. یکی از اصول حاکم بر جامعه‌ی اسلامی، همزیستی مسالمت‌آمیز با مسیحیان است. اسلام درست برخلاف آنچه برخی متفکران غیرمسلمان و برخی تبلیغات دروغین مدعی شده‌اند، دین صلح و مسالمت‌جویی است و برای تحقق بخشیدن و گسترش صلح در میان ملت‌ها و جلوگیری از بروز روابط خصمانه، ملت‌ها و دولت‌های دیگر را به صلح دعوت می‌کند. آیات متعددی بر این نکته تأکید دارند. در آیه‌ای می‌فرماید: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ (انفال: ۶۱)؛ اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از صلح دری؛ و بر خدا توکل کن که او شنوا و داناست.» در آیه‌ی دیگری نیز می‌فرماید: «ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَأَفْئَةٍ (بقره: ۲۰۸)؛ همگی در صلح و آشتی درآیید»؛ و نیز فرمود: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (همان: ۱۹۰)» و در راه خدا، با آنان که به جنگ و دشمنی شما برخیزند، جهاد کنید؛ اما از حد تجاوز نکنید که خدا متجاوزان را دوست ندارد.» در این آیات و آیات فراوان دیگری، قرآن بر آن است که مسلمانان را انسان‌هایی صلح‌جو تربیت کند که حتی در برابر دشمنانی که بیشترین شکنجه و آزار را نسبت به مسلمانان روا داشته‌اند، مسلمانان را از کینه‌توزی بر حذر دارد و در صورتی که آنان از در صلح و آشتی برآیند، مسلمانان می‌بایست رفتار گذشته‌ی آنان را فراموش کنند و با آنان صلح نمایند. حتی جنگ از دیدگاه اسلام، هدف و ماهیتی دفاعی دارد و برای دفاع و یا پیشگیری از تهاجم و گسترش تخریب و خونریزی بیشتر تجویز شده است.

آیات ۸ و ۹ سوره‌ی ممتحنه، از جمله آیات مظاهر همزیستی مسالمت‌آمیز است که خداوند می‌فرماید: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسَطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسَطِينَ. إِمَّا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (ممتحنه: ۸ و ۹)؛ خداوند شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند، از خانه و سرزمینتان بیرون نراندند، نهی نمی‌کند؛ زیرا خدا عدالت‌پیشگان را دوست دارد. تنها خدا شما را از دوستی با کسانی باز می‌دارد که شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند یا به بیرون راندن شما کمک کردند و هرکس با آنان رابطه‌ی دوستی داشته باشد، ظالم است.» از این آیات، یک اصل اساسی درباره‌ی نحوه‌ی رابطه‌ی مسلمانان با غیرمسلمانان به دست می‌آید. در این آیات، بر عدالت و انصاف و رعایت حد اعتدال و اجتناب از ستم‌خواهی و ستمگری تأکید شده است. اولین آموزه‌ی تربیتی این آیات، رعایت حق و انصاف حتی نسبت به کسانی است که در برابر مسلمین به جنگ برخاسته‌اند و دوم، با کسانی که دشمن مسلمانان بوده، اما جنگ و اخراج مسلمانان را عملی نکرده‌اند، نیکی به آنان و رعایت عدل و انصاف مجاز شمرده است.

قرآن کریم مسلمانان را از اهانت به اعتقادات و ارزش‌های غیرمسلمانان نهی می‌کند، چنان‌که می‌فرماید: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ (انعام: ۱۰۸)؛ هیچ‌گاه بت‌ها و معبودهای مشرکان را دشنام ندهید؛ زیرا این عمل سبب می‌شود که آنان نیز نسبت به ساحت قدس خداوند همین کار را از روی ظلم و ستم و جهل و نادانی انجام دهند.» در این آیه، یک

درس تربیتی بزرگ نهفته است؛ جایی که حتی از دشنام دادن به معبودات خرافی آنان نهی شده است. قرآن، اصول رعایت ادب در گفتار را نسبت به خرافی‌ترین ادیان لازم می‌داند و به پیامبر^(ص) دستور می‌دهد که با حکمت و برهان و جدل احسن، با مخالفان به مذاکره بپردازد و آنان را به پذیرش حق دعوت کند: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل: ۱۲۵)؛ به‌وسیله‌ی حکمت، به‌سوی راه پروردگارت دعوت کن و به‌وسیله‌ی اندرزهای نیکو و به طریقی که نیکوتر است، به مناظره بپرداز. «چقدر زیبا است! در دعوت به‌سوی خدا باید نکات تربیتی رعایت شود. یک مربی و دعوت‌کننده باید سخنش و دعوتش با حکمت و اندرز باشد. مراد از حکمت در آیه‌ی شریفه این است که هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای در آن وجود ندارد و «موعظه‌ی نیکو»، بیانی است که بر قلب و نفس مخاطب اثر می‌گذارد و آن را مستعد دریافت پیام می‌کند؛ زیرا موعظه‌کننده، صلاح حال مخاطب را می‌خواهد.

اسلام، برادری انسانی بر اساس مؤلفه‌های مشترک و فراگیر فطری میان آدمیان را برای همه‌ی آحاد بشر و برادری ایمانی را برای همه‌ی مؤمنین قائل است. در حقیقت، اخوت ایمانی و دینی نوع کمال‌یافته‌ای از اخوت انسانی است که نه‌تنها زمینه‌ی ستیز را از بین می‌برد (کارکرد سلبی)، بلکه به علت کمال نهفته در آن، انسجام و پیوستگی میان انسان‌های معتقد به مبدأ و معاد را فراهم می‌سازد. برادری دینی، یکی از کارآمدترین راه‌ها برای گریز از زیان‌های تفرقه و حفظ کیان جامعه دینی در جهان پرتنش کنونی است. این مهم یکی از زمینه‌ها و راهبردهای همکاری زبدگان مسلمان و مسیحی برای تعامل با همدیگر است. از دیدگاه دین الهی، همه‌ی انسان‌ها، برادر و مساوی هستند. علاوه بر این، باورمندان به مبدأ و معاد، از شأن برادری ایمانی برخوردارند. همکاری عالمان مسلمان و مسیحی در این عرصه‌ی خطیر، زمینه‌ساز برکات بسیار و استقرار زندگی در فضای صلح و برادری و مساوات خواهد بود.

قرآن کریم، شرط برخورداری از رحمت بی‌انتهای پروردگار را احساس برادری و تلاش برای تحقق صلح و سازش میان برادران ایمانی می‌داند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات: ۱۳) ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (این‌ها ملاک امتیاز نیست). گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست. خداوند دانا و آگاه است. «هیچ مقام، رنگ، ثروت و... سبب برتری انسان‌ها نمی‌شود، تنها تقوا و پرهیزکاری میزان و ملاک برتری است. در روایت آمده: «إِنَّ رَجُلًا سَأَلَ عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ أَيُّ النَّاسِ أَفْضَلُ؟ فَاحْذُ قَبْضَتَيْنِ مِنْ تَرَابِ فَقَالَ: أَيُّ هَاتَيْنِ أَفْضَلُ النَّاسِ خَلَقُوا مِنْ تَرَابِ هَاتَيْنِ أَفْضَلُ النَّاسِ خَلَقُوا مِنْ تَرَابِ فَأَكْرَمُهُمْ أَتْقَاهُمْ» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۲، ص ۳۵۱). تعامل سازنده و هدفمند و گفت‌وگو با پیروان دیگر مذاهب و ادیان از راهبردهای اصلی اسلام است. به استناد آیات قرآن و تاریخ اسلام، شیوه‌ی پیامبر گرامی اسلام^(ص)، به‌عنوان رئیس حکومت و همچنین نمایندگان و سفرای ایشان، به‌عنوان کارگزاران حکومت، در راه نیل به مقاصد و ادای وظایف سیاسی دولت اسلامی و تحقق بخشیدن به خط‌مشی‌های کلی اسلام در زمینه‌ی سیاست خارجی، اتخاذ راهبرد «دعوت و صلح» بوده است. امام علی^(ع) در بخشی

از نامه‌ی خود به مالک اشتر می‌فرماید: از صلحی که دشمن، تو را بدان خواند و رضای خدا در آن بود، روی متاب که آشتی، به سربازان تو آسایش رساند و اندوه‌هایت و شهرهایت ایمن ماند (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۵۱).

درس‌آموزی از تعالیم دینی در نگاه برادرانه و مساوی‌نگرانه به ابنای بشر از سوی عالمان مسلمان و مسیحی می‌تواند راهکار مؤثری برای تحقق راهبرد «تعامل بر مبنای دمیدن روح برادری و مساوات انسانی در جوامع» و احیای برادری و مساوات مذهبی و انسانی میان ملت‌های مسلمان و مسیحی باشد. در آموزه‌های ادیان مختلف، معمولاً یک نوع خودبرتری‌بینی و استعلاء نسبت به پیروان خود وجود دارد که باعث می‌شود پیروان هر دین، خود را برتر از متدینان به ادیان دیگر بپندارند و مانع از تعامل عادلانه با آنان شوند؛ اما نگاه اسلام، تأکید بر مساوات انسان‌ها در ذاتیات و مقومات انسانی است. این‌گونه برداشت هم باعث تعامل گسترده با پیروان دیگر ادیان می‌گردد و هم اثر تربیتی شگرفی بر مسلمانان دارد که خود را همسان دیگران بدانند و تواضع و فروتنی با پیروان ادیان دیگر را لازم شمارند.

۲-۲. راهبرد تعامل بر مبنای اصل وفای به پیمان و تعهدات بین‌المللی

بر اساس این راهبرد، مسلمانان و دولت اسلامی وظیفه دارند نسبت به همه‌ی معاهده‌ها و پیمان‌هایی که با جوامع دیگر منعقد کرده‌اند تا زمانی که مدت آن پایان نرسیده، ملتزم باشد و تحت هیچ شرایطی، حق به هم زدن آن را ندارند، مگر اینکه طرف مقابل آن را نقض کند. اهمیت و ضرورت پایبندی به عهد و پیمان در اسلام، از آموزه‌های زیر به‌روشنی نمایان است که به شرح زیر مستندات آن بیان می‌شود:

الف. آیات

خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ (مائده: ۱)؛ ای مؤمنان! به پیمان‌هایی که بسته‌اید، پایبند باشید.» پیامبر^(ص) نیز در ایام حکومتشان، پیمان‌های متعددی با مخالفان خود بستند و تا آخر، به پیمان‌های خود پایبند ماندند، مگر اینکه مخالفان آن را نقض کردند. وفای به عهد و پیمان یکی از ارزش‌های دینی و انسانی است. تعامل علمای مسلمان و مسیحی بر اساس این مهم، راهبرد مناسبی برای همکاری است.

«وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ... (توبه: ۱۱۱)؛ چه کسی به پیمانش پایبندتر از خداست؟»؛ «فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ... (همان: ۸۰)» خداوند هرگز پیمان‌شکنی نمی‌کند. از نشانه‌های خردمندان این است: «الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ (رعد: ۲۰)؛ آنان کسانی هستند که به عهد الهی وفا می‌کنند و پیمان را نمی‌شکنند»؛ و «وَعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذِكْرًا وَمَا كُنْتُمْ بِتَدَكَّرُونَ (انعام: ۱۵۲)؛ به عهد الهی وفا کنید. این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده است تا متذکر شوید»؛ «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (اسراء: ۳۴)» به پیمان‌های خود وفادار باشید، زیرا از پیمان‌ها سؤال خواهد شد. «وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا» (نحل: ۹۱)؛ پس از اینکه عهدنامه و قرارداد را بستید، آن را نقض نکنید؛ «فَأَوْفُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مَدَّتِهِمْ (توبه: ۴)؛ شما مسلمانان تا پایان مدت قرارداد، عهد و پیمان با آنان را حفظ کنید.» مفاد آیات بالا، وفا کردن به

عهد و پیمان است. بر اساس امر و ظاهر از سیاق آیات یادشده این است که امر در این‌ها، مفید و خوب است، نباید پیمانی که با مسیحیان منعقد کردید، نقض کنید. خداوند متعالی در چند آیه، بر آن تأکید می‌کند تا اینکه مسلمانان بر این ویژگی پرورش یابند.

به نظر می‌رسد مجموعه آیات بالا، به منزله‌ی کتابی تربیتی و اخلاقی است که در پی پرورش دینی و انسانی مسلمانان است. این آیات، گذشته از احکام فقهی آن، تعالی اخلاقی مسلمانان را هدف قرار می‌دهد و هدف آن است که مسلمانان، افرادی پایبند به وعده‌ها، وفادار به پیمان‌ها و حافظ قراردادهای باشند. اصولاً این آیات، مسلمانی را تصویر می‌کند که محل اطمینان و آرامش دیگر انسان‌ها و پیروان دیگر ادیان است و اهل پیمان‌شکنی و غدر و نقض قراردادهای نیست. از نظر اسلام، اهل ذمه و از جمله مسیحیان، قراردادی با نام (قرارداد ذمه) دارند و بر اساس آن دارای حقوقی هستند که به منظور اجرایی شدن زندگی مسالمت‌آمیز و حفظ کرامت انسانی است؛ از جمله این حقوق:

الف. خودداری مسلمانان از هرگونه تجاوز به جان و مال ناموس اهل ذمه (نک: محقق حلی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۳۵)؛

ب. حمایت و تأمین جانی، مالی و عرضی ذمیان و دفاع از آنان در برابر تجاوز بیگانگان (عمید زنجانی، ۱۳۶۲، ص ۱۳۷)؛

ج. ذمیان می‌توانند با آزادی و امنیت و بدون تعرض کسی، مراسم مذهبی خود را برگزار کنند (نک: قربانی، ۱۳۶۶، ص ۳۹۹).

از نظر اسلام جایز نیست عقد و قرارداد ذمه را نقض کرد، تنها در صورت پیمان‌شکنی آنان، نقض کردن آن جایز است.

ب. روایات

پیامبر^(ص) فرمودند: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَيْفَ إِذَا وَعَدَ (ابن‌شعبه حرانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۵)؛ آن‌کس که به خدا و روز رستاخیز ایمان دارد، باید به وعده‌های خود وفادار باشد.» در این روایت، پیامبر اعظم^(ص) وفاداری به وعده‌ها را پیامد و نتیجه‌ی ایمان به خدا و قیامت دانسته است؛ به عبارت دیگر، پیامبر اسلام^(ص) می‌خواهد بفرماید: اگر کسی به عهد و پیمان وفادار نباشد، ناشی از نداشتن یا ضعف اعتقاد به مبدأ و معاد است؛ یعنی رسول خدا^(ص) با این بیان، ضمانت اجرایی محکمی برای وفای به پیمان‌ها تعریف کرده است. در این بیان، نه تنها آثار تربیتی بیان‌شده، بلکه برای آنها، ضمانت اجرایی الزام‌آوری نیز تعریف شده است.

امام صادق^(ع): «الْمُسْلِمُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ مِمَّا وَاَفَّقَ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۱۶)؛ مسلمانان باید پایبند شروطشان باشند، مادامی که موافق قرآن باشد.» امام علی^(ع) در لزوم پایبندی به عهد و پیمان هرچند با دشمن، به مالک اشتر چنین دستور دادند: اگر میان خود و دشمن پیمان دوستی بستی و امانش دادی، به عهد خویش وفا کن و امانی را که داده‌ای، نیک رعایت نما. در برابر پیمانی که بسته‌ای و امانی که داده‌ای، خود را سپر ساز؛ زیرا هیچ‌یک از واجبات خداوندی که مردم با وجود اختلاف در آرا و عقاید، در آن هم‌داستان و هم‌رأی هستند، بزرگ‌تر از وفای به عهد و پیمان نیست. حتی مشرکان هم وفای به عهد را

در میان خود لازم می‌شمردند؛ زیرا عواقب ناگوار غدر و پیمان‌شکنی را دریافته بودند؛ پس در آنچه برعهده گرفته‌ای، خیانت مکن و پیمانت را مشکن و دشمنت را به پیمان مفریب؛ زیرا تنها نادانان شقی در برابر خدای تعالی، دلیری می‌کنند. خداوند پیمان و زینهار خود را به سبب رحمت و محبتی، که بر بندگان خود دارد، امان قرار داده و آن را چون حریمی ساخته است که در سایه‌سار استوار آن زندگی کنند و به جوار آن پناه آورند؛ پس نه برای خیانت، جایی برای خودنمایی است و نه برای فریب و حيله‌گری. پیمانی میند که در آن، برای تأویل راه تواند بود و پس از بستن و استوار کردن پیمان، برای بر هم زدنش به عبارتهای دوپهلوی که در آنها ایهامی باشد، تکیه نکن؛ و مبدا که سختی اجرای پیمانی که بر گردن گرفته‌ای و باید عهد خدا را در آن رعایت کنی، تو را به شکست و فسخ آن وادارد، بی‌آنکه در آن حقی داشته باشی؛ زیرا پایداری تو در برابر کار دشواری که امید به گشایش آن بسته‌ای و عاقبت خوشش را چشم می‌داری، از غدري که از سرانجامش بیمناک هستی، بسی بهتر است؛ و نیز به از آن است که خداوندت بازخواست کند و راه طلب بخشایش در دنیا و آخرت بر تو بسته شود. حضرت علی^(ع) در خطاب به مالک اشتر نیز فرمود: عدالت را بر اهل‌ذمه اجرا کن، به مظلوم حق بده و بر ستمگر سخت بگیر (نهج‌البلاغه، ۵۳). به‌راستی، این فرمایش امیرالمؤمنین^(ع) را بایستی منشور برادری و اخوت انسانی و سرمشقی کارآمدی برای حاکمان در کشورهای مختلف دانست. اثر تربیتی و اخلاقی این منشور -صورت عمل کردن به آن- می‌تواند ساحت‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی انسان را در بر بگیرد و شاهد جامعه‌ای انباشته از صداقت، یکرنگی و مملو از کرامات انسانی باشیم.

توصیه‌شده است که امام مسلمین تعهداتی را محترم شمارد که از سوی مسلمین بر عهده گرفته است، مگر در مواقعی که مسلمین در شرف حمله دشمن باشند -که در چنین موردی، امام ناگزیر است برای خاتمه‌ی قرارداد، یادداشتی نزد دشمن بفرستد- با اینکه دشمن، قرارداد را نقض یا انکار کرده باشد (خدوری و حیدرآبادی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۸).

ج. سیره پیامبر^(ص) با مسیحیان

موضع مسیحیان در برابر اسلام، نسبت به مشرکان و یهود، نرم‌تر بود. مسیحیان جزیره‌العرب، برخی شیفته اسلام شده و آن را پذیرفتند و برخی همچنان مسیحی ماندند؛ اما هیچ‌گاه از سوی پیامبر مجبور به تغییر عقیده و پذیرش اسلام نشدند و موضع پیامبر نسبت به آنان، همواره همراه با عطف و ملایمت بود؛ ازاین‌رو، هنگامی که سران مسیحی، از جمله نجاشی، نامه می‌فرستد، از حضرت مسیح و مادرش مریم به نیکی یاد می‌کند و در آخر نامه به نجاشی، خیرخواهانه می‌گوید: «همانا من تو را به سوی خدای بزرگ می‌خوانم و من ابلاغ رسالت نموده و تو را نصیحت کردم؛ پس اندرز مرا بپذیر. درود بر پیروان هدایت باد» (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۹۵).

قبایل و دسته‌های مختلف مسیحی در زمان حیات پیامبر^(ص)، از حمایت او و مسلمانان برخوردار بودند و مسلمانان بر اساس پیمان صلحی که با مسیحیان بسته بودند، از منافع و حقوق آنان حمایت می‌کردند؛ برای نمونه، پس از آنکه مسیحیان نجران از مباحله با پیامبر مأیوس شدند، صلح‌نامه‌ای با پیامبر امضا کردند. بر اساس این صلح‌نامه، آنان در برابر پرداخت مالیات، در انجام دستورات آیین خود آزاد بودند. در فرازی از این صلح‌نامه آمده است: «مردم مسیحی نجران و حاشیه‌ی آن در سایه‌ی خداوند و ذمه‌ی محمد پیامبر خدا هستند که دارایی، جان، دین، افراد غایب و حاضر، خانواده‌ی آنان و تجارت و

آنچه از کم یا زیاد در اختیار دارند، همه محفوظ و در امان است. هیچ اسقف یا راهب یا کاهنی از آنان، از مقام خود عزل نمی‌شود و به آنان اهانتی نخواهد شد» (فاروق حماده، ۱۹۹۷، ص ۱۴۷). در پیمان با رئیس مسیحیان ایلا آمده است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ این تضمینی است از سوی خدا و محمد پیامبر خدا به یوحنا بن رعبه و مردم ایلا. به موجب این پیمان، کشتی‌ها و وسایل نقلیه، در خشکی و دریا تحت حمایت و امان خدا و محمد پیامبر خدا هستند و تمام کسانی که همراهشان هستند، چه از شام و چه از یمن، در امان‌اند... بر مردم ایلا حرام است که مانع آب شوند و یا سد طریق نمایند» (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۷۴). رسول خدا^(ص) که اسوه و الگوی کمالات و فضائل اخلاقی بود، در برخورد با مسیحیانی که آیینی او را نپذیرفته بودند نیز، نهایت کرامت و بزرگواری را اعمال می‌نماید. پیامبری که خداوند، مسلمانان را به اقتدا و پیروی از کمالات وی دعوت می‌کند و می‌فرماید: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (احزاب: ۲۱)؛ قطعاً برای شما در اقتدا به رسول خدا، سرمشقی نیکوست، برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.» در این آیه، نه تنها اثر تربیتی برای مسلمانان معرفی شده، بلکه الگوی عملی و عینی آن‌هم تبیین کرده است.

۲-۳. راهبرد تأکید بر مشترکات دینی

نظر به وحدت دین الهی، مشترکات فراوان و عارضی بودن اختلافات، دورافتگی امور اختلاف‌زا و اهتمام به اشتراکات، از ضروریات امروز است، چنان‌که افول ارزش‌های معنوی، بی‌هدفی، تنهایی و پوچی انسان محصور در زندگی مادی، فاجعه‌ی زیست‌محیطی، بی‌عدالتی، نابودی خانواده و بی‌هویتی از پیامدهای زندگی دین‌جدا بر محور نگرش انسان‌مدار است. برخی فرهیختگان گفته‌اند: «از آیات قرآن کریم به دست می‌آید که دین الهی، عامل وحدت جوامع انسانی و مایه‌ی تشکیل صف واحد است» (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۵، ص ۴۳۲). اگر از نقش ادیان در کاهش تنش و تشنج در روابط بین‌الملل پرسیده شود، می‌توان گفت ایفای نقش تنش‌کاهی ادیان ابراهیمی، قابلیت منحصری دارد، به‌ویژه در این مقطع حساس زمانی که این مهم ابعادی جهانی یافته است، از طریق شناخت‌افزایی، ارتباط متقابل و تعامل عالمان دین، بی‌تردید ظرفیت اجرا وجود دارد.

یکی از معضلات بزرگ جهان اسلام و مسیحیت، وجود گروه‌های افراطی در میان پیروان هر دو آیین توحیدی است. جنایات متعددی که در خلال جنگ‌های صلیبی و پس از آن به وقوع پیوسته، دست‌مایه‌ی بدخواهان در تحریک تندروهای طرفین برای دامن زدن بر اختلافات و دمیدن در تنور عداوت و دشمنی است. تصور می‌شود سوزاندن ریشه‌های اختلاف و چشم‌پوشی از خطرات تلخ، تامل‌زا و تشنّت‌آور پیشین، اقدامی اساسی در ایجاد تعامل است. علاوه بر این، ضروری می‌نماید فرزنانگان و عقلای هر دو قوم، از هر نوع اقدام وحدت‌زدا و تنش‌آفرین به‌شدت بر حذر باشند. پندارهایی مانند بدعت‌گذار شمردن پیامبر اسلام^(ص)، خرافی دانستن تعالیم اسلام، خشن پنداشتن ذات این دین، فهم نادرست از استفاده‌ی زور و اجبار در تعالیم قرآن و اسلام را دارای طبیعتی خصمانه پنداشتن، از این گونه موارد است.

بی‌توجهی عمده‌ی یا سهوی به تحریک احساسات مذهبی مخاطبان خاص، از سوی برخی اربابان

رسانه‌ای، از اسباب جدی تحریک گروه‌های مذهبی افراطی است. مصداقی روشن و منفی در این رابطه، نشر، ترویج و تبلیغ کتاب آیات شیطانی سلمان رشدی است. رعایت ادب گفتاری و نزاکت در رسانه‌های جهان اسلام و مسیحیت و نیز مبلغان این دو آیین آسمانی، بی‌تردید نقشی اساسی در تعامل مثبت آنها دارد. در این رابطه، نمونه راهکار قرآن این‌گونه است: «وَلَا تُسَبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ (انعام: ۱۰۸)؛ کسانی که غیرخدا را می‌خوانند، دشنام ندهید. مبادا آنان (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند.» در آیه‌ای دیگر، فرمان به حسن قول داده است: «و قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا... (بقره: ۸۳)؛ و با مردم، نیکو سخن بگویید.»

از دید برخی مفسرین، مخاطب یا مورد گفتگو، اعم از مخالف و موافق است؛ زیرا از اطلاق عنوان «ناس»، مردمی بودن این دستور و انسانی بودن این قانون اخلاقی و اجتماعی استظهار می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۵، ص ۴۰۱).

این دیدگاه معتقد است: «حُسن معاشرت و گفتار و رفتار نیکو در برخورد با توده‌ی مردم، اعم از مؤمن و کافر [است]؛ گفتار و گفته هر دو باید زیبا و نیکو باشد، خواه مخاطب و مورد گفتگو مخالف باشد یا موافق، سخن نیک، سخنی است که محتوای آن خیر و مصلحت و روش آن مقبول و دل‌پذیر است؛ نه صرفاً هر سخن خوشایند دیگران؛ از همین رو، این دستور اخلاقی و اجتماعی نیکو امر به معروف و نهی از منکر کردن را نیز شامل است» (همان، ص ۳۵۵). از امام صادق^(ع) در تفسیر آیه نقل است: «و قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» قَالَ: قُولُوا لِلنَّاسِ كُلِّهِمْ حُسْنًا مُؤْمِنِهِمْ وَ مُخَالِفِهِمْ، أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فَيَسُبُّ لَهُمْ وَجْهَهُ وَ أَمَّا الْمُخَالِفُونَ فَيَكَلِّمُهُمْ بِالْمَدَارَةِ لِاجْتِدَابِهِمْ إِلَى الْإِيمَانِ. فَإِنْ اسْتَرَّ مِنْ ذَلِكَ بِكَفِّ شُرُورِهِمْ عَنِ نَفْسِهِ وَ عَنِ إِخْوَانِهِ الْمُؤْمِنِينَ (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۲۰)؛ در تفسیر آیه گفته شده است: با مردم به زبان خوش سخن بگویید. فرمود: یعنی با همه‌ی مردم، چه مؤمن و چه مخالف، مدارا کنید، به زبان خوش سخن بگویید. مؤمن، به هم‌مذهبان، روی خوش نشان می‌دهد و با مخالفان، با مدارا سخن می‌گوید تا به ایمان، جذب شوند و حتی اگر نشدند، با این رفتار، از بدی‌های آنان در حق خود و برادران مؤمنش، پیشگیری کرده است (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۵، ص ۴۰۱). این آیه را از اصول کلی روابط اسلام دانسته‌اند: «این پیمان اخلاقی و قانون مردمی و انسانی، یعنی نیکو سخن گفتن و با نرمی رفتار کردن و بدی دیگران را با روش نیک پاسخ گفتن، از احکام روابط بین‌الملل و از بهترین اصول کلی اسلام در تربیت جوامع انسانی است. البته این حکم، ظرف و موقعیت خاص خود را دارد و چنین نیست که در هر شرایطی، با گفتار نیکو با کافران سخن گفته شود» (همان، ص ۳۵۵).

در جای دیگر نیز، چنین تبیین کرده‌اند: «مقصود از قول در جمله‌ی "و قولوا"، کنایه از مطلق برخورد است، با قول باشد یا عمل؛ نظیر "ما یلفظ من قولٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ" (ق: ۱۸). مقصود خصوص قول در برابر فعل نیست، بلکه مطلق کار است، اعم از گفتار و رفتار، چنان‌که مراد از خوردن مال مردم، مطلق تصرف است نه خصوص خوردن؛ یعنی در سخن گفتن با مردم جز خیر و نیکی سخنی نگو و در امر به معروف و نهی از منکر، از موازین آن خارج نشو و مراحل و شرایط آن را رعایت کن و در معاشرت یا دادوستد با مردم، محسنانه عمل کن» (همان، ص ۳۶۴-۳۶۵). برای تعامل و همکاری میان عالمان مسلمان و مسیحی، زمینه‌های فراوانی وجود دارد. حقوق مشترک میان دو

آیین اسلام و مسیحیت، یکی از آنها است. در آیه‌ی ذیل به‌خوبی این مهم نشان داده می‌شود: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ (شوری: ۱۳)؛ از احکام دین، آنچه را که به نوح درباره‌ی آن سفارش کرد، برای شما تشریح کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که درباره‌ی آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که دین را برپا دارید و در آن تفرقه‌اندازی نکنید.»

نتیجه اینکه حقوق انسانی بسیاری میان مسلمانان و مسیحیان مطرح است که مؤید عقل سلیم است. این عرصه‌ی بزرگ، زمینه‌ی کاملاً مناسبی برای تعامل میان نخبگان مذهبی هر دو آیین است. راهبرد «تأکید بر حقوق مشترک میان دو دین» می‌تواند نخبگان هر دو آیین را به هم‌اندیشی، هم‌افزایی و همکاری در این‌باره ترغیب کند. اگر پیروان ادیان الهی و به‌ویژه مسلمانان و مسیحیان- که اشتراک مواضع اعتقادی آنها بیشتر است- به مشترکات رجوع نمایند و بر آنها پافشاری نکنند، گذشته از آثار اجتماعی مثبت مانند کاهش اختلافات اجتماعی و سیاسی، هم‌افزایی به‌منظور تحقق اهداف ادیان الهی و همکاری برای دستیابی به حقوق مشترک می‌تواند آثار تربیتی بسیار مؤثری را به همراه آورد که از آن جمله، رفع کدورت‌ها و کینه‌های تاریخی، تقویت مبانی انسانی، دفاع مشترک از مظلومین و آزادی‌خواهان و تقویت جبهه دین‌داری در جهان است.

۲-۴. راهبرد تلاش برای استقرار نظم شایسته جهانی با رویکرد به تعالیم پیامبران

پیام آیات قرآن کریم و روایات اسلامی، رعایت اعتدال و التزام به نظم بایسته و شایسته در اندیشه، عمل و مصرف و نیز حذر از اسراف و تفریط است. در ادامه، به پاره‌ای از آیات و روایات الهام‌بخش نظم موصوف، اشاره می‌شود: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ (آل‌عمران: ۱۹۰)؛ همانا در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمدوشد شب و روز، نشانه‌هایی برای خردمندان است»؛ «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ (قمر: ۴۹)؛ ما هر چیزی را به‌اندازه (و روی حساب) آفریدیم.» توصیه‌ی قرآن به پیروان خویش، داشتن برنامه‌ی صحیح و منظم و پایبندی به برنامه‌های دین در زندگی است؛ بدین رو، هیچ‌گاه نباید از حدود الهی گامی فراتر نهند؛ زیرا در آن صورت، از ظالمان خواهند بود: «... وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (بقره: ۲۲۹)؛ آنان که از حدود الهی تجاوز کنند، همانان ستمکارانند»؛ «وَ الدِّينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَتَفَرَّقُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (فرقان: ۶۷)؛ بندگان خدای رحمان کسانی هستند که هرگاه انفاق هزینه کنند، نه اسراف کنند و نه تقتیر (دست‌خسکی) و هزینه زندگی آنان میان این دو، در شرایط متعادل است»؛ «وَكُلُوا وَ اشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (اعراف: ۳۱) بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد»؛ «وَ اتَّذَا الْقُرْبَى حَقًّا وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ لَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا، إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا (اسراء: ۲۶-۲۷)؛ و حق نزدیکان را پرداز و (همچنین) مستمند و وامانده در راه را و هرگز اسراف و تبذیر مکن؛ زیرا تبذیرکنندگان برادران شیطان‌اند و شیطان کفران نعمت‌های پروردگارش کرد.»

امام خمینی (ره) فرمودند: «اگر در زندگی‌مان، در رفتار و حرکاتمان نظم بدهیم، فکرمات هم بالطبع نظم می‌گیرد، وقتی فکر نظم گرفت، یقیناً از آن نظم فکری الهی هم برخوردار خواهد

شد» (وجدانی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۲۱). امام علی^(ع) خطاب به مالک اشتر، این‌گونه به نظم سفارش می‌کنند: «... إِيَّاكَ وَالْعَجَلَةَ بِالْأُمُورِ قَبْلَ أَوَانِهَا أَوْ التَّسْقُطَ فِيهَا عِنْدَ إِمْكَانِهَا أَوْ اللَّجَاجَةَ فِيهَا إِذَا تَنَكَّرَتْ أَوْ الْوَهْنَ عَنَّا إِذَا اسْتَوْصَحَتْ فَصَحَّ كُلُّ أَمْرٍ مَوْضَعُهُ وَ أَوْقَعَ كُلُّ أَمْرٍ مَوْفَعُهُ (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۴۷)؛ از عجله درباره‌ی کارهایی که وقتشان نرسیده، یا سستی در کارهایی که امکان عمل آن فراهم‌شده، یا لجاجت در اموری که مبهم است، یا سستی در کارها هنگامی که واضح و روشن است، بر حذر باش! و هر امری را در جای خویش و هر کاری را به‌موقع خود انجام بده.»

مشکل اصلی امروز جهان، دوری سردمداران عالم از تعالیم سعادت‌بخش پیامبران الهی، از جمله بی‌اعتنایی به استقرار نظم مناسب است. راهبرد «تلاش برای استقرار نظم شایسته‌ی جهانی با رویکرد به تعالیم پیامبران» از سوی فرزندان مسلمان و مسیحی می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مشکلات و نابسامانی‌های موجود عالم باشد که فقر و مذلت را برای بیشتر جهان رقم‌زده است. از نگاه قرآن کریم، مواسات، همدردی، خیرخواهی و نفع‌رسانی به همه‌ی انسان‌های عالم با هر منش و عقیده‌به غیر از کفار حربی- جایز است. خداوند متعال می‌فرماید: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ» (ممتحنه: ۸)؛ خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی‌کند؛ زیرا خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد.» بر اساس این آیه، مسلمانان موظف‌اند در برابر هر فرد یا جمعیت و کشوری، چه از مشرکان باشند یا اهل کتاب، در صورتی که موضع خصمانه نسبت به مسلمانان نداشته باشند و دشمنان اسلام را یاری نکنند، شیوه‌ی مسالمت‌آمیز در پیش گیرند و با نیکی و عدالت رفتار نمایند. «... فَإِنْ اعْتَرَفْتُمْ بِكُمْ فَمَا تَقَاتِلُوكُمْ وَالْقَوَا إِلَيْكُمْ السَّلَامُ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا (نساء: ۹۰)؛ پس اگر از شما کناره گرفتند و با شما نجنگیدند و به شما پیشنهاد صلح و آشتی دادند، دیگر خداوند برای شما، بر آنان راهی برای پیکار قرار نداده است.»

تألیف قلوب از مصارف اصلی زکات در اسلام است. تألیف، به معنای جمع‌کردن و انس گرفتن است (مشکینی، بی‌تا، ص ۴۶۷). «مؤلفة قلوبهم»، به کافران و مسلمانان مخالف یا سست‌ایمانی می‌گویند که به‌منظور خوش‌بینی و تمایل آنان به اسلام و قوت ایمانشان و یا شرکت آنان در جهاد، جایز است انسان زکات مالش را به آنان پرداخت کنند (امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۳۶)؛ مثلاً در کشوری غیرمسلمان زلزله‌ای اتفاق افتاده و عده‌ای بی‌خانمان شده‌اند، در اینجا می‌شود از زکات به آنان کمک کرد تا به اسلام خوش‌بین شوند (قرشی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۷۲). راهبرد تعامل در مبارزه با بدی و دعوت به نیکی، از زمینه‌های پراهمیت برای تعامل فرزندان مسلمان و مسیحی است که می‌تواند موارد و موضوعات موردعلاقه‌ی دوجانبه‌ی عیدیه‌ای را شامل شود.

امام خمینی(ره) فرمودند: «همه‌ی اقلیت‌های مذهبی در اسلام محترم هستند و همه‌گونه آزادی برای انجام فرایض مذهبی خود دارند» (امام خمینی، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۰۱). در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، درباره‌ی تأمین اجتماعی، این‌گونه آمده است:

«برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی،

دراهماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی‌درمانی و مراقبت‌های پزشکی به‌صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین، از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل بیست‌ونهم). تعامل فرهنگی با مسیحیان در حوزه حقوق شهروندی میان نخبگان اسلام و مسیحیت، از راهکارهای ضروری عصر کنونی برای احیای حقوق انسانی و همکاری دو ملت ذی‌ربط است.

یک نمونه رعایت این حقوق، درباره‌ی اعطای حق حاکمیت به دادگاه آنان در حوزه‌ی حاکمیت اسلام، این است:

اگر جرم ارتکاب‌یافته، تنها در دین خودشان ممنوع باشد، تنها دادگاه‌های خودشان صالح برای رسیدگی هستند و از جانب دادگاه اسلامی هیچ‌گونه تعرضی به آنان نمی‌شود؛ زیرا حکومت اسلامی صرفاً جرائمی را که بر اساس شرع اسلام یا قانون جرم به حساب می‌آید، پیگیری کرده و مجازات می‌کند (نجفی، بی‌تا، ج ۲۱، ص ۳۱۷).

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت، به‌دست می‌آید:

۱. قرآن کریم در برخورد و رفتار با مسیحیان، بر رعایت نکات و امور تربیتی گوناگون تأکیدات فراوانی دارد؛ از دشنام به آنچه می‌پرستند، نهی می‌کند، بر همزیستی و رفتار مسالمت‌آمیز و رعایت حد اعتدال تأکید دارد. دعوت به سوی خدا باید به‌وسیله‌ی حکمت و اندرز نیکو باشد.
۲. سیره‌ی معاشرت امت اسلامی با مسیحیان، بر اساس زندگی مسالمت‌آمیز با حفظ عزت و حکمت و مصلحت است. رسول خدا^(ص) پس از هجرت به مدینه و پس از تشکیل حکومت اسلامی، به تدوین نخستین قانون اساسی و پیمان عمومی با اهل کتاب اقدام کرد و آنان را به همزیستی در کنار یکدیگر دعوت نمود، آنان که در قلمرو اسلامی زندگی می‌کردند، در حمایت خود قرار داد و مجبور به پذیرش اسلام نکرد، بلکه به عقاید آنان احترام گذاشت.
۳. مهم‌ترین راهبردهای تعاملات فرهنگی مسلمانان با مسیحیان که از قرآن کریم و آموزه‌های دینی استخراج‌شده؛ عبارتند از: تأکید بر حقوق مشترک میان اسلام و مسیحیت، همزیستی و مقابله با تجاوز و تروریسم، تعامل بر مبنای وفای به پیمان و تعهدات بین‌المللی، تعامل بر مبنای گفت‌وگو و دمیدن روح برادری در پیروان دو دین، تعامل برای اقامه‌ی عدالت، تلاش برای استقرار نظم شایسته‌ی جهانی با رویکرد به تعالیم پیامبران، تعامل در حوزه‌های حقوق شهروندی و مسائل قضائی، تأکید بر مشترکات دینی و همکاری علمی و پژوهشی برای هم‌افزایی پیشرفت دو ملت.
۴. اگرچه آثار تربیتی راهبردهای بالا فراوان است؛ اما به بخشی از آنها اشاره می‌شود: رفع کینه‌ها و کدورت‌های تاریخی میان مسلمانان و مسیحیان؛ پی‌ریزی جامعه‌ای عاری از خشونت، تبعیض، ستمگری و تجاوز؛ دفاع مشترک از مظلومین و آزادی‌خواهان جهان و مبارزه‌ی مشترک با ترندها و توطئه‌های صهیونیسم جهانی که سعی در تفرقه و نزاع میان مسلمانان و مسیحیان دارد؛

تعدی نکردن به حقوق انسان‌هایی که دینی متفاوت دارند؛ تقویت فضائل و کمالات انسانی و اخلاقی؛ پیروی از سیره‌ی رسول خدا^(ص) و حضرت مسیح^(ع) در برخورد با مخالفان؛ تبیین کرامت انسانی و تلاش برای تقویت آن؛ معرفی نمونه‌های عملی برای رشد و تعالی بشر از میان انبیای الهی؛ تقویت مبانی اخوت و مساوات انسانی در جوامع بشری؛ تبیین و معرفی ضمانت اجرایی برای تحقق فضائل اخلاقی؛ تدوین قوانین مشترک و کارآمد برای همزیستی مسلمانان و مسیحیان؛ تقویت جبهه‌ی دین‌داری در جهان.

منابع

الف) کتاب‌ها :

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، چاپ دوم، قم: مؤسسه امیرالمؤمنین^(ع)، ۱۳۸۲.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: مؤسسه انتشارات مشهور، ۱۳۷۹.
- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، بیروت: دارالتفسیر، بی تا.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول^(ص)، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
- ابن هشام، ابومحمد عبدالملک، السیره النبویه، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
- ابوداود، سلیمان، سنن ابی داود، قاهره: مؤسسه علمی و فرهنگی دارالحدیث، بی تا.
- امام خمینی، سیدروح الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، ۱۳۷۸.
-، تحریر الوسیله، تهران: دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
- آقابخشی، علی و مینو افشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی، چاپ اول، تهران، چاپار ۱۳۸۳.
- بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه موسسه البعثه - قم، تهران: نیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
- برانتل، جورج، آیین کاتولیک، حسن قنبری، قم: مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱.
- جواد آملی، عبدالله، تسنیم، تحقیق و تنظیم حسین شفیعی و محمد فراهانی، قم: اسراء، ۱۳۹۸.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البیت^(ع)، ۱۴۰۹ ق.
- حکیمی، محمدرضا و دیگران، الحیاة، ترجمه احمد آرام، چاپ ششم، تهران: انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۵.
- خدوری، مجید حمیدالله حیدرآبادی، جنگ و صلح در قانون اسلامی، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۸.
- علم الهدی، سیدمرتضی، تنزیه الانبیاء، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۸۱.
- عمید زنجانی، عباسعلی، حقوق اقلیت‌ها، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- فاروق حماده (۱۹۹۷ م)، التشریع الدولی فی الاسلام، مراکش: کلیة الاداب والعلوم الانسانیة بالرباط. بی تا.
- قربانی، زین العابدین، اسلام و حقوق بشر، تهران: دفتر نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق حسین درگاهی، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
- مبینی، عبدالله و علی مبینی، راهبردهای فرهنگی مکتب فکری، الگوی تحلیلی فرهنگ و مدل طراحی راهبرد، چاپ اول، تهران: مؤسسه صبح امید دانش، ۱۳۹۴ ش.
- محقق حلی، نجم الدین جعفر بن الحسن، شرائع الاسلام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مشکینی، میرزا علی، مصطلحات الفقه، بی جا، بی تا.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، چاپ اول، تهران: چاپخانه صالحان، ۱۳۸۰.
- منصور، محمدحسین، احکام الاسره المطبقة علی المسیحین المصرین، بی جا: دارالمطبوعات الجامعیه، ۱۹۹۹ م.
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، محقق/ مصحح: عباس قوچانی و علی آخوندی، چاپ هفتم،

بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.

• وجدانی، مصطفی، سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی، بی تا.
(ب) مقالات:

• حسینی، سید ابراهیم، نگاه انتقادی به نظام‌های حقوقی یهود و مسیحیت، مجله تخصصی فقه و حقوق، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، صص ۲۰۷-۲۲۵.

• حسینی، سید ابراهیم، تروریسم بین‌المللی از دیدگاه اسلام، معرفت، شماره ۱۲۵، اردیبهشت ۱۳۸۷.

• زینتی، علی: فلسفه ازدواج در اسلام و مسیحیت، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۷، ۱۳۸۴.

(ج) سایت‌ها:

• <http://advtn.go.org> انجمن دفاع از قربانیان تروریسم:

• <http://www.esra.ir> بنیاد بین‌المللی علوم وحیانی اسراء:

• <https://hawzah.net> پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه:

• <https://rahbord.marketing> راهبرد مارکتینگ:

• <https://www.parsi.wiki> پارسی ویکی: